بسم الله الرحمن الرحیم

تست‌نامه
ترجمه عربی

مجموعه سؤالات طبقه‌بندی‌شدهٔ
کنکورهای دولتی و آزاد کارشناسی ارشد و دکتری

ویژه کلیه گرایش‌های الهیات

چاپ دوم؛ ویراست سوم
سال ۱۴۰۲

بسته‌های آموزشی حافظون
ویژه دروس عمومی کلیه گرایش‌های الهیات

تست‌نامهٔ ترجمه عربی
مجموعه سؤالات طبقه‌بندی‌شدهٔ
کنکورهای دولتی و آزاد کارشناسی ارشد و دکتری
همراه با پاسخ‌های تشریحی
ویرایش سوم، چاپ دوم؛ سال ۱۴۰۲
مؤلف: سمیرا قنبری
ناشر: انتشارات آیات مبیّنات

تمـــاس بـا مـــا

شماره ثابت : ۰۲۱۳۳۵۵۱۷۵۱
شماره همراه : ۰۹۱۹۸۰۰۰۹۷۰
سایت : www.haafezoon.ir
ایمیل : haafezoon@gmail.com
سامانه دریافت پیامک : ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵

در فضای مجازی ما را با شناسه haafezoon جستجو کنید.

جهت دریافت اطلاعات تخصصی رشته خود و دریافت فایل‌های مکمل، عدد ۲ را به سامانه ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵ پیامک کنید.

فهرست مطالب

سال ۱۳۷۱ .... ۷
سال ۱۳۷۲ .... ۲۹
سال ۱۳۷۳ .... ٤۲
سال ۱۳۷٤ .... ٥۱
سال ۱۳۷٥ .... ٦۱
سال ۱۳۷٦ .... ٦٦
سال ۱۳۷۷ .... ۷۰
سال ۱۳۷۸ .... ۷٤
سال ۱۳۷۹ .... ۸۰
سال ۱۳۸۰ .... ۸۷
سال ۱۳۸۱ .... ۹٤
سال ۱۳۸۲ .... ۱۰۱
سال ۱۳۸۳ .... ۱۱۰
سال ۱۳۸٤ .... ۱۱۸
سال ۱۳۸٥ .... ۱۲۷
سال ۱۳۸٦ .... ۱۳۲
سال ۱۳۸۷ .... ۱۳۷
سال ۱۳۸۸ .... ۱٥۳
سال ۱۳۸۹ .... ۱٦۲
سال ۱۳۹۰ .... ۱۷٤
سال ۱۳۹۱ .... ۱۸۳
سال ۱۳۹۲ .... ۱۹۱
سال ۱۳۹۳ .... ۱۹۹
سال ۱۳۹٤ .... ۲۰۸
سال ۱۳۹٥ .... ۲۱۷
سال ۱۳۹٦ .... ۲۲۳
سال ۱۳۹۷ .... ۲۳۰
سال ۱۳۹۸ .... ۲۳۸
سال ۱۳۹۹ .... ۲٤٦

سال ۱٤۰۰ .... ۲٥٦
سال ۱٤۰۱ .... ۲٦٥
سال ۱٤۰۲ .... ۲۷۳

سال ۱۳۹۳

۳۶۰-«أُحذّركم الدّنیا، فإنّها حلوة خضرة، حُفّت بالشّهوات و راقت بالقلیل، لا تدوم حَبرتها و لا تؤمن فجعتها!»: (ارشد ۱۳۹۳)

۱) شما را از دنیا بر حذر می‌دارم، چه شیرین و سرسبز است و با شهوات احاطه شده و به اندک چیزی دل خوش می‌کند، آراستگی‌اش دوام ندارد و از فاجعه‌اش ایمنی نیست!

۲) از دنیا بر حذر باشید که شیرین و سبز است، اما با خواسته‌های نفسانی پوشانده شده و به اندک چیزی چشم می‌دوزد، رنگ و رویش بی‌دوام است و از فاجعه‌ی آن گریزی نیست!

۳) از دنیا دوری کنید که آن ظاهری زیبا و فریبنده دارد، اما سرشار از امیال نفسانی است و به اندک چیزی از شما طمع دارد، زینت‌هایش هیچ دوامی ندارد و از شکم پرستی‌اش ایمنی نیست!

۴) شما از دنیا دور داشته شده‌اید، چه دنیا فقط ظاهری زیبا و شیرین و سرسبز دارد، اما نفسش پوشیده از شهوت‌هاست، از اندک چیزی خوشش می‌آید، زینت ظاهریش بی‌دوام است و از مصیبتش ایمنی نیست!

۳۶۱-«إنّ أهمیّته لا ترجع إلی أنّه کان کاتباً من کتّاب الدّواوین و إنّما ترجع إلی أنّه کان مترجماً، و حاول أن ینقل إلی العربیّة خیر ما عرفه فی الفارسیّة!»: (ارشد ۱۳۹۳)

۱) وی که نویسنده‌ای از کاتبان دربار بود از اهمیّت بسیاری برخوردار است، فقط به این دلیل که هر آنچه را در زبان فارسی مفید می‌دید، وارد زبان عربی می‌کرد!

۲) اهمیّتی که او در زبان عربی دارد به دلیل نویسندگی وی در دیوان نیست، زیرا او مترجم هم بود و سعی داشت همه‌ی چیزهای مفیدی که در زبان فارسی وجود داشت به عربی ترجمه کند.

۳) اهمیّت او به این مربوط نمی‌شود که نویسنده‌ای از کاتبان دیوان‌های دولتی بود، بلکه به این مربوط می‌شود که او مترجم بود، و سعی کرد بهترین چیزی را که در فارسی می‌شناخت به عربی منتقل کند!

۴) جایگاه والایی که او از آن برخوردار است بخاطر این نیست که نویسنده‌ی دیوان بود، بلکه به این خاطر است که او مترجمی بود که بهترین چیزهایی را که در زبان فارسی می‌یافت به عربی منتقل می‌کرد!

۳۶۲-«النّهضة العلمیّة الواسعة الّتی أوجدها الفاطمیّون کانت تؤازرها نهضة أدبیّة واسعة، لأنّهم یرون من الضّروریّ وجود مجموعة مفلقة من الشّعراء و الکتّاب تنافح عن مذهبهم!»: (ارشد ۱۳۹۳)

۱) نهضت وسیع علمی را که فاطمیان ایجاد کردند نهضتی وسیع ادبی پشتیبانی می‌کرد، زیرا آنها وجود گروهی زبده از شاعران و نویسندگان را که از مذهبشان دفاع کند، ضروری می‌دانستند!

۲) حرکت علمی وسیعی را که دولت فاطمی ایجاد کرده بود با یک نهضت ادبی دیگر رقابت بود، چه آنها معتقد بودند که باید در اطرافشان گروهی شاعر و نویسنده‌ی ماهر باشد که به ستیز با رقیبان آنها بپردازد!

۳) حرکت علمی گسترده‌ای که فاطمیان شروع کرده بودند، به وسیله‌ی جنبشی ادبی و وسیع حمایت می‌شد، به این دلیل که آنها گروهی قوی از شاعران و نویسندگان را در اطراف خود جمع کرده بودند تا از طریقت آنها پشتیبانی کنند!

۴) فاطمیان نهضتی علمی و فراگیر ابداع کردند که با یک حرکت ادبی و وسیع دیگر در ارتباط بود، چون آنان بر این عقیده بودند که باید مجموعه‌های ارزشمند از شاعران و نویسندگان در کنار آن‌ها حضور داشته باشند تا از مسلک آنها دفاع کنند!

۳۶۳-«و أعلم علماً لیس بالظّنّ أنّه   إذا ذَلّ مولی المرء، فهو ذلیل!»: (ارشد ۱۳۹۳)

۱) بدان و آگاه باش -آگاهی از سرِ یقین- که اگر دوست و سرور تو خوار شود، تو هم خوار می‌شوی!

۲) قطعاً به یقینی -که گمان نیست- رسیده‌ام که اگر مولی و پسر عمّ انسان ذلیل شود، او نیز ذلیل است!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳) علمی که از روی یقین باشد مرا آگاه می‌کند که خواری دوست و مولای هرکس سبب خواری خودش می‌شود!
۴) یقین دارم و دانشم از روی شک و گمان نیست، هرگاه مولی و عمّ انسان را ذلیل کنند خود را خوار کرده‌اند!

۳۶۴-«فإن فاز سهمٌ للمنیّة، لم أکن جَزوعاً، و هل عن ذاک من متأخِّرِ!»: (ارشد ۱۳۹۳)
۱) تیر مرگ هرگز خطا نمی‌رود، من هم از آمدن مرگ پریشان نیستم، چون ناگزیر روزی به سراغم خواهد آمد!
۲) اگر مرگ بر من غلبه کند ناراحت و پریشان نمی‌شوم، چون هیچکس نمی‌تواند آن را به تأخیر اندازد!
۳) اگر قرعه به نام مرگ افتد من بی‌تاب نمی‌شوم، آیا برای موعد فرا رسیدن مرگ تأخیری وجود دارد!
۴) تیر مرگ چنانچه به خطا نرود بی‌قراری نمی‌کنم، باشد که تأخیری در موعد مرگ حاصل آید!

۳۶۵-﴿لا یجرمنّکم شنآن قوم علی ألّا تعدلوا﴾. عیّن الخطأ فی المفهوم: (ارشد ۱۳۹۳)
۱) معاداة إنسان لا تبرّر ممارسة الظّلم علیه!
۲) کراهة أحد لا یسوّغ الاعتداء علیه!
۳) إجراء العدل لازم فی جمیع الأحوال!
۴) ترک المعاداة خیر وسیلة لإجراء العدل!

۳۶۶-«قبل از مُردن یک ضربه به خود بزن، آنگاه دو ضربه به دیگری!». عیّن الصحیح: (ارشد ۱۳۹۳)
۱) اِضرب نفسک ضربة قبل الممات، ثمّ اِضرب غیرک ضربتین!
۲) قبل الممات اِضرب نفسک ضرباً واحداً، ثمّ ضربین اثنین غیرک!
۳) قبل الموت اِضرب لنفسک ضربة واحدة، ثمّ غیرک اثنتین ضربتین!
۴) اِضرب لنفسک ضرباً واحداً، ثمّ اِضرب غیرک ضربین قبل الموت!

۳۶۷-«اخیراً جمعیّتی برای دفاع از حقوق محرومان تشکیل شده که خود را مستقل و برکنار از تمام جریانات سیاسی و دینی می‌داند!»: (ارشد ۱۳۹۳)
۱) تشکّلت مؤخّراً الجمعیّة هذه و هی تدافع عن حقوق المستضعفین و قد اعتبرت نفسها بالاستقلال و التّنحی عن کلّ التیّارات فی السیاسة و الدین!
۲) اُنشئت مؤخّراً هذه الجمعیّة تهدف الدّفاع عن حقوق المحرومین و وصفت باستقلالها و ابتعادها عن جمیع التیّارات السیاسیّة و الدینیّة!
۳) اُنشئت أخیراً جمعیّة للدّفاع عن حقوق المحرومین تصف نفسها بأنّها مستقلّة و بعیدة عن کلّ التیّارات السیاسیّة و الدینیّة!
۴) تشکّلت أخیراً الجمعیة الّتی تدافع عن حقوق المستضعفین تعتبر أنّها مستقلّة و تتنحّی عن جمیع التیّارات فی السیاسة و الدّین!

۳۶۸-عیّن الصحیح: (دکتری ۱۳۹۳)
۱) ﴿یا جبالُ أوّبی معه والطّیر﴾: ای کوه‌ها وای پرندگان همراه او تسبیح گویید!
۲) ﴿واجعل لی لسان صدق فی الآخِرین﴾: زبانی راست را نسبت به دیگران برای من قرار ده!
۳) ﴿هذا یومُ ینفع الصّادقین صدقُهم﴾: این روزی است که صادقان را صدقشان سود بخشد!
۴) ﴿...ماذا أنزل ربّکم؟ قالوا أساطیر الأوّلین﴾: ... خداوندتان چه نازل کرد؟ گویند اسطوره‌های گذشتگان را!

۳۶۹-عیّن الصحیح: (دکتری ۱۳۹۳)
۱) إن تجتهد فتنال العزّة أُسَرَّ!: اگر تلاش کنی و به عزّت و سربلندی برسی خوشحال می‌شوم!
۲) جهادٌ و أُدرکَ المنی خیر من راحة!: تلاش نمودن در حالیکه به آرزو دست یابم از راحتی بهتر است!
۳) قلّما تنتبهون للعبر فتَرشدوا!: بسیار کم اتفاق می‌افتد که به عبرت‌ها توجه کنید و هدایت یابید!
۴) أنا غیر حافل بالحسّاد فأکترث لمطاعنهم!: من به حسودان توجّهی نمی‌کنم تا به طعنه‌هایشان اهمیت دهم!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳۷۰-«فکم مُهجة من زمرة الوَجد فی لَظّی   و کم مقلة من غزرة الدّمع فی دجن!»: (دکتری ۱۳۹۳)

۱) چه دل‌ها از عشق در سوز و گداز است و چشم‌ها که از شدت اشک در تاریکی تار می‌شوند!

۲) چقدر باید بخاطر دم گرم عشق در آتش، خون دل خورد و چقدر مردمک‌های چشم باید بخاطر ریزش اشک نابینا شود.

۳) چند بار دل باید بخاطر شور و عشق به جهنم برود و چشم بسبب اشک بسیار در تاریکی بسر برد!

۴) چه بسیار قلب‌ها که از نفس عشق در آتش می‌سوزند و چه بسیار چشم‌ها که از ریزش اشک فراوان، بینایی را از دست داده‌اند!

۳۷۱-«أُفردتِ حُسناً کما أُفردتُ فیک صَفا   وُدٍّ و حاشای من شِرک و حاشاکِ!»: (دکتری ۱۳۹۳)

۱) أنت فی الحسن و أنا فی خلوص المودّة لک فوق الجمیع، و لیس لک شریک فی الحسن عندی و لیس أحد مثلی فی الودّ لک!

۲) حرمتُ من حسنک کما حرمتِ من صفاء ودّی، و لا سمح الله بهذا منّی و منک لیبتلینی و ایاک!

۳) لا یساویک أحد فی الحسن و الکمال و لا یُساوینی أحد فی صفاء المودّة و الخلوص، لستُ مشرکاً و لست مشرکة بالله!

۴) حسنک و محبّتی واحد، غیر أنّنی لا أُشارکک فی المحبّة، کما أنت لا تشارکیننی فی الحبّ!

۳۷۲-«هذه البلاد تقف علی مخزون نفطیّ ضـخم و هی تمسـک بیدها ورقة التحکّم فی الانتاج أمام الجنون الرّهیب فی الأسعار العالمیّة!»: این کشور ... (دکتری ۱۳۹۳)

۱) که در برابر جنون سرسام آور قیمت‌های جهانی برگ برنده‌ی حاکمیت در تولید را به دست دارد، ذخایر بزرگ نفتی را دارا می‌باشد!

۲) دارای ذخایر نفتی عظیمی می‌باشـد و در برابر جنون هولناک قیمت‌های بین‌المللی نفت، برگ برنده‌ی مهار تولید را در اختیار دارد!

۳) بر منابع عظیم نفت قرار گرفته است و برگ کنترل بر تولید را در برابر این جنون مهیب قیمت‌های جهانی در دست گرفته است!

۴) بر بزرگ‌ترین ذخایر نفتی احاطه دارد و برگ نظارت بر تولید را در برابر جنون ترسناک در قیمت‌های جهانی به دست گرفته است!

۳۷۳-«تری أنّ ما أبقیت لم أک ربّه   و أنّ یدی ممّا بخلت به صفر!» عیّن الأقرب إلی مفهوم البیت: (دکتری ۱۳۹۳)

۱) إنّ السّلامة من الدنیا ترک ما فیها!
۲) مال تجلبه الریاح تأخذه الزوابع!
۳) یکفیک ممّا لا تری ما قد تری!
۴) خذ من الدّهر ماصفا و من العیش ماکفی!

۳۷۴-«اِحذروا نفار النّعم، فما کلّ شارد بمردود!» تدلّ العبارة علی ... (دکتری ۱۳۹۳)

۱) التّوصیة بحفظ النّعم و صیانتها!
۲) النّصیحة بعدم الاهتمام بالنّعم أو بزوالها!
۳) إمکان استعادة النّعم بعد زوالها!
۴) إمکان ترک الحزن عند زوال النّعم!

۳۷۵-«افراد خوشبین معتقدند هر اتفاقی در دنیا بیفتد به نفع آنها خواهد بود نه به ضرر آن‌ها!». عیّن الصحیح: (دکتری۱۳۹۳)

۱) یعتقد المتفائلون أنّ کلّ ما یحدث فی العالم سیکون لهم لا علیهم!

۲) هناک اعتقاد عند من کان من المتفائلین أنّ الّذی یحدث فی العالم هو لهم لا علیهم!

۳) الأفراد المتفائلون معتقدون أنّ ما یقع فی الدنیا هو لصالحهم لا لضررهم!

۴) عقیدة الأفراد المتفائلین بالنّسبة إلی ما یحدث فی الدنیا هی أنّها لصالحهم لا لضررهم!

۳۷۶-«بی‌بند و باری برای جامعه بیشتر ضرر دارد تا برای فرد!» عیّن الخطأ: (دکتری ۱۳۹۳)

۱) الاستهتار أضرّ لصاحبه من المجتمع!
۲) الاستهتار یضرّ للمجتمع أکثر منه لصاحبه!
۳) لا یضرّ الاستهتار لصاحبه کما یضرّ للمجتمع!
۴) یضرّ الاستهتار للمجتمع أکثر ممّا یضرّ لصاحبه!

۳۷۷-«از او خواستم هر قدر برای او امکان دارد از حوادث اخیر برایم بنویسد!»: عیّن الصحیح: (دکتری ۱۳۹۳)

۱) سألته أن یکتب لی کلّ ما تیسّر له عن الحوادث الأخیرة!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۲) سألت منه أن یکاتبنی عن کلّ ما أمکنه من الأحداث الأخیرة!
۳) طلبت إلیه أن یراسلنی من الأحداث الأخیرة بکلّ ما أمکن له!
٤) طلبت منه أن یرسل لی عن الحوادث الأخیرة کلّ ما تیسّر له!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳۶۰- گزینه ۱

این سؤال بخشی از خطبه ۱۱۰ نهج‌البلاغه است که متن اصلی آن به این صورت است: فَإِنِّي أُحَذِّرُكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّها حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَ رَاقَتْ بِالْقَلِيلِ وَ تَحَلَّتْ بِالآمَالِ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُها وَ لَا تُؤْمَنُ فَجْعَتُها.

صحت گزینه اول با معادل فعل اول «أحذركم» که متکلم وحده است، مشخص می‌شود.

منبع: (نهج البلاغه/ خطبه ۱۱۰)

۳۶۱- گزینه ۳

ارجاع به نکات فن ترجمه ۳۴ (توجه به مبتدا و خبر) و ۴۵ (توجه به ضمایر)

واژگان

کُتّاب الدواوین: کاتبان دیوان‌های دولتی

در چنین جملاتی توجه به مبتدا، خبر، فاعل، ضمایر و مراجع آنها ما را به پاسخ درست رهنمون می‌سازد.

منبع: آزاد

۳۶۲- گزینه ۱

ارجاع به نکات فن ترجمه ۸ (ترکیب وصفی- اضافی) و ۲ (اسلوب فعل ماضی)

واژگان

المُفلِقة: مبتکر، نیکوسخن، زبده

«اوجد» فعل ماضی ساده است نه ماضی بعید.

منبع: آزاد

۳۶۳- گزینه۲

ارجاع به نکات فن ترجمه ۳۹ (جمله وصفیه) و ۴۳ (مفعول مطلق)

واژگان

المولی: ارباب، بنده، آزادشده، رفیق، همسایه، فرزند، عمو، پسرعمو، داماد و خواهرزاده

«لیس بالظن» جمله وصفیه برای «علماً» است.

منبع: آزاد

۳۶۴- گزینه۳

واژگان

سهمٌ للمنیة: قرعه مرگ (تیری که به عنوان قرعه مورد استفاده قرار می‌گیرد)

الجزوع: بی تاب

فقط در گزینه ۳ «هل استفهام» در ترجمه آمده‌است.

منبع: آزاد

۳۶۵- گزینه۴

واژگان

لاتبرّر: توجیه نمی‌کند

المعاداة: دشمنی و عداوت

لایسوّغ: جواز نمی‌دهد / مجوز نمی‌شود

آیه مورد سؤال آیه ۸ سوره مائده است: والبته‌شمارانبایدعداوت‌گروهی‌برآن‌داردکه‌ازراه‌عدل‌بیرون‌روید.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

منبع: قرآن کریم

۳۶۶- گزینه۱

نکته فن ترجمه ۷۴: مصدر نوعی و عددی

۱. «اسم المرة» یا همان «**مصدر عددی**»؛ مصدری است که بر یک بار وقوع فعل دلالت می‌کند.
- در ثلاثی مجرد مصدر عددی بر وزن «فَعلة» ساخته می‌شود.
- در غیر ثلاثی مجرد با الحاق «تاء الوحدة» به «مصدر» فعل ساخته میشود (اکرامة).

نکته: اسم «مرة» فقط از افعال فیزیکی ساخته می‌شود نه از افعال باطنی (جهِل، حسُن،کرُم و...)

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً﴾ حاقة/۱۳،۱۴

۲. «اسم النوع» یا همان «**مصدر نوعی**» بر هیئت خاصی از فعل دلالت می‌کند:
- بر وزن «فِعلة» ساخته می‌شود: مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إمامَ زَمانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّة؛
- در غیر ثلالثی مجرد پس از ساخت «اسم المرة» آن را با صفت، مضاف‌الیه یا هر چیز دیگری که آن را تخصیص بزند تخصیص می‌زنیم: اکرمته اکرامة المحسن

توجه داشته باشید که «ضربة» مصدر مرة بوده و بر یک بار زدن دلالت دارد و دیگر نیازی به ذکر صفت «واحد» نیست. «ة» موجود در آخر کلمه «ضربة» نشانه تأنیث نیست، برای رعایت جنس صفت به صورت مؤنث آمده است.

منبع: آزاد

۳۶۷- گزینه۳

ارجاع به نکته فن ترجمه ۲۳ (تعریف و تنکیر)

واژگان

التنحّی: دوری

انشأ: تأسیس کردن

«جمعیت» باید به صورت نکره بیاید که فقط در گزینه ۳ صحیح آمده است. «اعتبرت» در گزینه ۱ و «وصفت» در گزینه ۲ نباید به صورت ماضی بیایند.

منبع: آزاد

۳۶۸- گزینه ۱

ارجاع به نکته فن ترجمه ۵۷ (انواع واو)

«واو معیت» موجب اشتراک ما بعد با ما قبلش در حکم نمی‌شود، بلکه فقط مفید اقتران و نزدیکی در زمان است، بر خلاف «واو عاطفه» که موجب اشتراک مابعد در حکم ماقبلش می‌شود، خواه با او در زمان نزدیکی داشته‌باشد یا نداشته‌باشد.

«واو معیت» موجب ملابسه و مقاربه مابعد با ماقبلش می‌شود، ولی «واو عطف» موجب ملابسه و مصاحبت بین معطوف و معطوف علیه نمی‌شود.

«واو معیت» بنابر قولی عامل است و مابعدش را نصب می‌دهد به عنوان مفعول معه، ولی «واو عاطفه» عامل نیست.

البته در این آیه شریفه در گزینه ۱می‌توان «واو» را معیت در نظر گرفت.

در گزینه ۲ الآخِرین به معنای آیندگان است نه به معنای دیگران. (الآخَرین: دیگران)

در گزینه ۳ «ینفع» به صورت صفت ترجمه شده در حالیکه مضاف‌الیه است. البته علی الظاهر در فارسی ترجمه دیگری به جز همین ترجمه قابل انعکاس نیست. هر چند اینجا ترکیب اضافی است نه وصفی. در گزینه ٤ «اساطیر» مفعول نیست بلکه خبر است برای مبتدای محذوف.

منبع: قرآن کریم

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳۶۹- گزینه۴

ارجاع به نکات فن ترجمه ۳ (اسلوب شرط) و ۵۸ (انواع فاء)

واژگان

حفل الرجُلُ: آن مرد اهتمام ورزید

مِطْعَن (ج مَطَاعِن «طعن»): کسی که بر دشمن طعنه بسیار زند

المَطَاعِن: ناسزاها

در گزینه۲، «واو» حالیه نیست. در گزینه۳، «فاء» سببیه و عامل نصب است و باید به این صورت ترجمه شود: تا هدایت یابید.

منبع: آزاد

۳۷۰- گزینه۴

ارجاع به نکته فن ترجمه ۱۲ (انواع کم)

واژگان

المهجة: خون دل

لَظِيَ (لَظِيَ... تِ النارُ): آتش شعله ور شد

المُقلَة: چشم

دَمْع (ج دُمُوع و أَدْمُع): اشك چشم

دجن اللَيلُ: شب تاريك شد

غَزْر: بسیاری، زیادی

با توجه به اینکه «کم» در اینجا استفهام نیست گزینه ۳ رد می‌شود و با توجه به معنای واژگان فقط گزینه ۴ را صحیح می‌دانیم.

منبع: از اشعار سامی بارودی

۳۷۱- گزینه۱

واژگان

أفرَدَ: تخصیص داد، اختصاص داد، منظور داشت، در نظر گرفت

ترجمه متن سؤال: تو در حُسن منفرد و یگانه هستی، منم در خلوص محبتم به تو یگانه هستم و حاشا که تو شریکی داشته باشی و حاشا که من شریکی داشته باشم.

منبع: آزاد

۳۷۲- گزینه ۲

واژگان

مخزون نفطيّ ضخم: دخایر نفتی عظیم

ورقة التحكم: برگ کنترل و مهار

لرهيب: هولناک

الاسعار (جِ سِعر): نرخ‌ها، قیمت‌ها، ارزها (پول بیگانه)

«تقف» فعل لازم است نه متعدی اما در گزینه ۱ متعدی ترجمه شده‌است. «تقف» فعل مضارع است که در گزینه ۳ ماضی نقلی ترجمه شده‌است. «ضخم» به معنای بزرگ و عظیم است و صفت دوم برای «مخزون». اما در گزینه‌های ۱ و ۳ به عنوان صفت اول «مخزون» ترجمه شده است. در گزینه ۴ نیز به اشتباه اسم تفضیل ترجمه شده است.

منبع: آزاد

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳۷۳- گزینه ۱

واژگان

زَوْبَعَة (ج زَوَابع): تندباد و گردبادی که مانند ستونی به سوی آسمان بالا رود

زَوْبَعَةُ (الزوَابع) : بلاها

صَفْر: خالی، تُهی

هُوَ صَفْرُ الْيَد: یعنی چیزی در دست ندارد

می‌بینی که من مالک آنچه که باقی گذاشته‌ام نیستم و دستم از آنچه بدان بخل ورزیده‌ام خالی است.

این معنا فقط به گزینه ۱ نزدیک است: سلامت نفس و سعادت آن در این است که آنچه در این دنیا دارد ترک شود.

منبع: (دیوان منسوب به امام علی عليه‌السلام)

۳۷۴- گزینه ۱

واژگان

النفار و النفور: گریختن، رمیدن

این جمله مربوط به حکمت ۲۴۳ نهج‌البلاغه است. معادل آن به فارسی بیت زیر می‌باشد:

ای توانگر بر حذر باش از زوال جاه و مال ز آنکه نعمت چون رمید، آوردنش باشد محال

منبع: (نهج البلاغه/ حکمت ۲۴۳)

۳۷۵- گزینه ۱

ارجاع به نکته فن ترجمه ۴۹ (مضارع و انواع آن)

واژگان

المتفائل: خوشبین

در گزینه۲ «هناک اعتقاد عند من کان من المتفائلین»، در گزینه ۳ و ٤ زمان مستقبل مورد توجه قرار نگرفته‌است. البته در گزینه ۲ نیز زمان مستقبل وجود ندارد.

منبع: آزاد

۳۷۶- گزینه ۱

واژگان

الإستَهتار: بی‌مبالاتی، بي‌توجهی، لاقیدی‌گری، لاابالیگری، بی‌خیالی، کم‌توجهی، بازیچه گرفتن، بی‌اعتنایی، بی‌فکری، بی‌پروایی، سبك شمردن، ناچیز شمردن، به حساب نیاوردن.

گزینه ۱ نادرست است زیرا برخلاف سه گزینه دیگر می‌گوید: بی بند و باری برای فرد بیشتر ضرر دارد تا برای جامعه.

منبع: آزاد

۳۷۷- گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۷۵: توجه به معانی ابواب ثلاثی مزید
باب افعال: تعدیه (رأی: دید / اری: نشان داد)
باب تفعیل: تکثیر، مبالغه، تدریج و تعدیه (کسّرت الزجاجة: شیشه را کاملا خرد کردم) / (طوّفت: بسیار طواف کردم)
باب مفاعله: مشارکت فاعل و مفعول (صارعتُ زیداً: با زید کشتی گرفتم)
باب تفعل: مطاوعه (کسّرت الزجاجة فتکسّرت: شیشه را شکستم پس شیشه شکست)
باب تفاعل: مشارکت (تصارع زیدٌ و سعیدٌ)

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

(تفاوت این باب با مفاعله در این اســـت که در تفاعل دو طرف فعل مرفوع هســـتند اما در مفاعله یکی مرفوع و دیگری منصوب است)

باب انفعال: مطاوعه (همیشه لازم است) کسّرت الزجاجة فانکسرت

باب افتعال: مطاوعه (اجتمعتُ الناسَ فاجتمعوا)

باب استفعال: طلب (استغفر: طلب آمرزش کرد)

نکات:

۱. برخی افعال در باب إفعال به کار رفته‌اند که ثلاثی مجرد آن‌ها در آن معنا به کار نرفته است: افلح، ارسل، انذر، اقسم

۲. اگر فاء الفعل باب افتعال دال یا زاء باشد، تاء باب، وجوباً به دال تبدیل می‌شود:

﴿وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ﴾ آل عمران/۴۹

﴿وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾ یوسف/۴۵

۳. ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى﴾ یونس/۳۵ ؛ (باب افتعال)

٤. ﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ﴾ یس/۴۹ (باب افتعال)

٥. ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ آل عمران/۱۰۶ (باب افعلال)

٦. ﴿مُدْهَامَّتَانِ﴾ رحمن/۶۴ (باب افعیلال)

۷. ابواب رباعی مزید: (تفعلل- افعنلال-افعلّال) اطمئنّ/ اقشعرّ/ اضمحلّ: هر سه فعل لازم اند.

واژگان

طلب الی: رغبت داشتن

راسل، یراسل: نامه نگاری کردن

یرسل: فرستادن نه نوشتن

در گزینه ۲ و ۳ استفاده از باب مفاعله و در گزینه ٤ استفاده از فعل «یرسل» نادرست است.

باب مفاعله برای کار مشارکتی و دو طرفه به کار می‌رود.

فعل «سأل» متعدی بنفسه است و با حرف جر «من» نمی‌آید.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

سال ۱۳۹٤

۳۷۸-﴿أَلَم تَرَ أنّ الله أنزلَ من السّماء ماءً فتصبحُ الأرضُ مُخضرّةً﴾: (ارشد ۱۳۹٤)

۱) آیا ندیدی که الله از آسمان آبی نازل کرد و سپس زمین سبز می‌شود!

۲) آیا نمی‌نگری که خداوند از آسمان آبی را فرو فرستاد تا زمین سرسبز شود!

۳) آیا نمی‌بینی که چگونه الله از آسمان بارانی نازل کرد و سپس زمین سرسبز پدید آمد!

٤) آیا ننگریستی که همانا خداوند از آسمان باران را فرو فرستاد برای اینکه زمین سبز و خرم گردد!

۳۷۹-«من أبغض الخلائق إلی الله رجلٌ قُمش جهلاً، مُوضعٌ فی جهال الأمّة، عمٍ بما فی عَقد الهدنة، قد سمّاه أشباه النّاس عالماً و لیس به!»: (ارشد ۱۳۹٤)

۱) منفورترین مردم نزد خدا کسی است که مشتی نادان گردآوری کرده و جاهلان به او جایگاهی داده‌اند، از مشاهده‌ی صلح و آشتی کور است، انسان نمایان عالمش می‌دانند در حالیکه نمی‌دانند!

۲) از جمله مبغوض‌ترین مخلوقات نزد خدا شخصی است که جهل را در خود جمع کرده، در بین نادانان امّت به هر سو شتابنده است، نسبت به آنچه در پیمان صلح است، کور است. مردم نمایان او را عالم نامیده‌اند در حالیکه چنین نیست!

۳) از جمله مردمی‌که موجب خشم خداست مردی است که جهل و نادانی را به دوش می‌کشد و جایگاه او بین نادانان خوب است، از دیدن آشتی و صلح بیزار است، گروهی آدم نما او را عالم می‌خوانند اما اصلاً هیچ علمی ندارد!

٤) بعضی مردم نزد خدا بسیار مورد بغض و نفرتند، مثل آن شخصی که دانسته‌هایش نادانی است و با همان بین جاهلان امت جایگاهی کسب کرده و از آنچه صلح و دوستی باشد گریزان است، گروهی به ظاهر انسان او را دانا می‌دانند در حالیکه جاهل است!

۳۸۰-«نجم عن الصَراع بین قبول المذهب أو رفضه أن أخذ لفیف من النّاس یستمع إلی الدّعاة، فمنهم من آمن و منهم من ظلّ حائراً!»: (ارشد ۱۳۹٤)

۱) درگیری بین پذیرفتن یا نپذیرفتن این مذهب منجر به این شد که گروهی از مردم سخنان داعیان را پذیرفتند، پس جمعی از آن‌ها آن را قبول کردند و عده‌ای دیگر سرگردان ماندند!

۲) کشمکش بین قبول مذهب یا ردّ آن منتج به این شد که گروهی از مردم به استماع دقیق سخنان داعیان پرداختند، آنگاه بعضی از آن‌ها ایمان آوردند و برخی از آن‌ها سرگردان ماندند!

۳) از نزاع بین پذیرفتن دین یا مخالفت با آن حاصل این شد که بعضی از مردم سخنان داعیان را با دقت گوش کردند، پس عده‌ای ایمان آوردند اما برخی همچنان سرگردان بودند!

٤) تعارض بین دو نظریه در قبول دین یا رد کردن آن سبب شده که گروهی اندک از مردم سخنان داعیان را گوش کنند، آنگاه بخشی از آن سخنان را پذیرفتند و درباره‌ی سایر سخنان همچنان مردّد بودند!

۳۸۱-«لِلموت، فی عین الجبان، تلوّن و للذّعر، فی سمع الجریء، صفیرٌ!»: (ارشد ۱۳۹٤)

۱) مردن برای شخص ترسو، در هر موقعیتی به صورتی در می‌آید، و ترس و پریشانی چون صدایی آرام به گوش شجاع می‌رسد!

۲) انسان ترسو هر لحظه مرگ را به شکلی می‌بیند، اما شخص با جرأت صدای مخوف را مثل صدایی خوش و آرام می‌شنود!

۳) مرگ در چشم انسان بزدل به رنگ‌های مختلف جلوه می‌کند، و ترس و وحشت در گوش انسان شجاع آوازی خوش دارد!

٤) مرگ پیش چشم انسان بزدل متغیّر است، و خوف و ترس در گوش شخص با شهامت چون سوت کشیدن است!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳۸۲-عیّن الخطأ: (ارشد ۱۳۹۴)

۱) نادیتک فلم تُجب علیّ!: صدایت کردم و پاسخم ندادی!

۲) إنّ الحوادث قد یطرقن أسحاراً!: همانا حوادث گاهی سحرها در می‌کوبند!

۳) لست أعفو عنک ما لم تغیّر أُسلوبک!: اگر روش خود را تغییر ندهی، از تو نخواهم گذشت.

۴) لو کنت تستفید من فرصک ما کنت نادماً الآن!: اگر از فرصت‌هایت استفاده می‌کردی، الآن پشیمان نبودی!

۳۸۳-«شذَّبنا قتادة من یلینا!» عیّن المناسب فی المفهوم: (ارشد ۱۳۹۴)

۱) از چنگ دشمن گریختیم!

۲) دشمن را به خود متمایل ساختیم!

۳) بینی دشمن را به خاک مالیدیم!

۴) آن را که به دنبال ما بود حمایت کردیم!

۳۸۴-«آگاه باشید که در روزهایی از امید به سر می‌برید که در پی آن مرگ است؛ پس هر کس به عمل بپردازد موفق می‌شود و هر کس کوتاهی کند، به حتم خود او زیانکار است!» عیّن الصحیح: (ارشد ۱۳۹۴)

۱) ها أنتم تقضون ایام أمل یأتی بعده الموت؛ فمن أقدم بالعمل یفز و من أقصر فهو یضرّ نفسه!

۲) ألا و إنّکم فی ایام أمل من ورائه الأجل، فمن بادر إلی العمل فاز و من قصّر فإنّه هو الخاسر بنفسه!

۳) انتبهوا أنّ الأجل سینالکم بعد ایام أملکم هذه، من أسرع إلی العمل الصّالح لقد نجح و من أغفل فهو خاسر بنفسه!

۴) ألا و إنّکم الآن فی ایام الأمل و الموت یدرککم بعده، من تعجّل فی عمل الخیر لقد ظفر و من اقتصر فقد ضرّ نفسه!

۳۸۵-عیّن الصحیح: (ارشد ۱۳۹۴)

۱) آنچه در دنیاست دوام نمی‌یابد، نه شادیش و نه سختیش: ما فی الدنیّا لا یدوم، لا طربُها و لا مصیبتها

۲) اگر به سختی دچار شدی، امیدوار باش که تمام می‌شود: إذا أُصبت بالعسر، کن رجاءً ینتهی

۳) و اگر شاد شدی، غنیمت دان که همیشگی نیست: إذا ضحکت، اغتنم فإنّه تُدیم

۴) اما هرگز متکبّر نباش، چه حکم خدا بر همه چیز غالب است!: ولکن لا تکبّر، لأنّ حکم الله هو الغالب علی کلّ شیء!

۳۸۶-﴿وكلّ إنسان ألزمناه طائره في عنقه﴾ : (دکتری ۱۳۹۴)

۱) و نامه‌ی اعمال و پرونده‌ی هر انسانی بر گردن او آویخته است!

۲) و هر انسانی را ملازم گردانیدیم نامه‌ی اعمالش را در گردنش!

۳) و هر انسانی را که ملزم نمودیم، پرونده‌اش را به گردنش آویختیم!

۴) و تمام انسان‌ها نامه‌ی اعمالی دارند که آن را بر گردنشان آویخته‌ایم!

۳۸۷-«لا یَهلک علی التّقوی سِنخُ أصلٍ، و لا یَظمأ علیها زرعُ قومٍ»!: (دکتری ۱۳۹۴)

۱) رگ و ریشه‌ی قوم که بر تقوی باشد ابداً هلاک نگردد، و کشت و زرع آن قوم هرگز دچار بی آبی نمی‌شود!

۲) هلاک شدنی نیست اصل و ریشه‌ای که در زمین تقوی روییده باشد، و زراعت آن دچار تشنگی نمی‌شود!

۳) هلاک نشود هیچ ریشه‌ای که بر تقوی نهاده باشد، و تشنه نگردد کشت قومی اگر در زمین تقوی قرار گرفته باشد!

۴) اصل ریشه‌ای که بر تقوی روییده است هلاک نمی‌شود، و زراعت قومی که در آن زمین کاشته شده دچار بی آبی نمی‌گردد!

۳۸۸-«کان یری أنّ مسألة الإسلام فی وعی المؤمنین به علی مستوی القیادة أو القاعدة هی مسألة الدّعوة المتحرّکة فی کلّ صعید!»: (دکتری ۱۳۹۴)

۱) از دید او اسلام دعوتی است حرکت بخش و توفنده در همه‌ی عرصه‌های زندگی برای سطح فرماندهی یا فرمانبری!

۲) مسأله‌ی اسلام در بینش مؤمنان به آن در حد رهبری یا رهروی به نظر او، دعوتی است حرکت آفرین در همه‌ی زمینه‌ها!

۳) به نظر او مسأله‌ی اسلام در بینش معتقدانش، از رهبری گرفته تا رهروی، دعوتی است زنده و پویا در همه‌ی سطوح!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

٤) او می‌دید که موضوع اسلام در آگاهی مؤمنان به آن در سطح فرماندهی یا فرمانبری مسأله‌ی دعوت حرکت بخش در همه‌ی سطوح است!

۳۸۹-«یستغلّ الاستکبار العالمی المجاعة و انتشار الأمراض المستوطنة و تدهور مستویات المعیشة و حالة التخلّف، و یعمل علی تکریس وجوده عسکریًّا»: استکبار جهانی . . . (دکتری ۱۳۹٤)

١) از گرسنگی و شیوع بیماری‌های مسری و نبودن نیازهای زندگی و مخالفت‌ها سوء استفاده می‌کند، و سلطه‌ی نظامی خویش را تحمیل می‌نماید!

٢) از قحطی و گسترش امراض محلی و نبود امکانات زندگی و عقب افتادگی فرصت طلبی می‌کند، و در جهت تحمیل سلطه‌ی نظامی عمل می‌کند!

٣) از گرسنگی و انتشار بیماری‌های واگیردار و از هم‌گسیختگی زندگی و اختلافات بهره‌برداری می‌کند، و وجود نظامی خود را بیشتر می‌نماید!

٤) از قحطی و شیوع بیماری‌های بومی و پایین آمدن سطح زندگی و حالت عقب ماندگی بهره‌برداری نموده برای تثبیت حضور نظامی خود اقدام می‌کند!

۳۹۰-«لذعتنی دمعةٌ تلفح خدّی نبّهتنی من ضلال لیس یُجدی!»: (دکتری ۱۳۹٤)

١) اشکی که گونه‌ام را می‌سوزاند لذت‌بخش بود و مرا از گمراهی بیهوده بیدار ساخت!

٢) قطره اشکی که گونه‌ام را می‌سوزاند مرا آزرد و از گمراهی بی‌فایده بیدارم ساخت!

٣) قطره اشکی مرا سوزاند و گونه‌هایم را تر کرد و از ضلالت ناسودمند نجاتم داد!

٤) اشکی مرا آزرد و چون آتشی مرا سوزاند و توبیخ کرد ولی سودمند افتاد!

۳۹۱-«و لو کانت الأرزاق تجری علی الحجا هلکن إذن من جهلهنّ البهائم!»: (دکتری ۱۳۹٤)

١) کم بخور، همیشه بخور!

٢) هان که کار از محکم کاری عیب نمی‌کند!

٣) هر آنکس که دندان دهد نان دهد!

٤) گاوان و خران باربردار، به ز آدمیان مردم آزار!

۳۹۲-«رُزقتَ أسمح ما فی النّاس من خُلق إذا رُزقت التماسَ العُذر فی الشّیم!»: (دکتری ۱۳۹٤)

١) إذا عذرت غیرک فقد فزت بأفضل خلق!

٢) لا تنال التماس العذر لغیرک إلّا بعد خلق سمح!

٣) من رزق التماس العذر لغیره فقد عاملهم بالسّماحة!

٤) لا تنال بین النّاس سماحة الأخلاق إلّا بعد التماس العذر لهم!

۳۹۳-«اثر زبان قرآن در پیشرفت و توسعه‌ی زبان عربی بی حدّ و حصر است!»: (دکتری ۱۳۹٤)

١) تأثیر اللّغة القرآنیة لایحدّد فی توسعة لغة العربیّة و تقدّمها!

٢) لایمکن تحدید و إحصاء أثر لغة القرآن علی لغة العربیة و تقدّمها!

٣) إنّ أثر لغة القرآن فی تقدّم و توسعة اللّغة العربیة لایعدّ و لایحصی!

٤) لایحدّد و لایحصی التأثیر الّذی جعله القرآن علی اللّغة العربیة و توسعتها!

۳۹٤-«کتابی را به او امانت دادم، اما متأسفانه توجّهی به حفظ امانت نکرد!»: (دکتری ۱۳۹٤)

١) أعرته کتاباً، لکنّه مع الأسف لم یعر اهتماماً لحفظ الأمانة!

٢) دفعت له کتاباً أمانة، أمّا إنّه مع الأسف لم یهتمّ بالأمانة جیّداً!

٣) أعطیت کتاباً له، ولکنّه من المؤسف لم یراع الأمانة حفظاً لها!

٤) استعرته کتاباً، و لکن من سوء الحظّ لم یحفظ الانتباه للأمانة جیّداً!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳۹۵-«کمیسariای عالی پناهندگان نگرانی خود را نسبت به بحران کنونی ناشی از قحطی و سیلاب اظهار داشت!»:
(دکتری ۱۳۹٤)

۱) إنّ اللّجنة العليا لشؤون النّازحين أفادت عن استيائها إزاء الأزمة الحالية بسبب القحط و السيول!
۲) إنّ منظّمة اللاجئين العليا أبانت عن عدم ارتياحها قبال الأزمة الطّارئة بسبب الجدب و الطّغيانات!
۳) أدلت الجمعيّة العامّة لشؤون النّازحين عن مخاوفها تجاه البحران الطّاحن بسبب الجفاف و السيول!
٤) أعربت المفوضيّة العليا لشؤون اللاجئين عن قلقها إزاء الأزمة الراهنة بسبب المجاعة و الفيضانات!

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

۳۷۸- گزینه۱

ارجاع به نکات فن ترجمه ٤۹ (فعل مضارع و انواع آن) و ۲ (مضارع و ماضی) و۲۳ (تعریف و تنکیر) و۷۲ (مفعول له)

اولاً لم + فعل مضارع؛ معادل یک فعل ماضی است. بنابراین گزینه‌های ۲ و ۳ خطا هستند. ثانیاً «ماءً» نکره بوده و ترجمه آن به شکل «آبی» درست‌است. در گزینه چهارم، قسمت دوم به صورت مفعول له ترجمه شده که نادرست می‌باشد.

منبع: قرآن کریم

۳۷۹- گزینه ۲

ارجاع به نکته فن ترجمه ۱۵ (اسم تفضیل)

واژگان

قَمَشَ: چیزهای بر زمین ریخته را از اینجا و آنجا جمع‌آوری کرد.

این جمله برگزیده از خطبه ۱۷ نهج البلاغه است که در توصیف کسی است که در میان امت بدون شایستگی متصدی منصب قضاوت می‌گردد: کسی است که انبوهی از نادانی‌ها را در خود جمع کرده در میان نادانان امت برای فریفتن مردم به همه سو می‌شتابد (این صنف کور دل ظلمت جو) در تاریکی آشوب‌ها و تشویش‌ها می‌تازد و به آنچه که در پیمان صلح است نابینا است، انسان نماها عالمش می‌خوانند با این که از علم بهره‌ای نبرده‌است.

توجه به «ابغض» که اسم تفضیل است موجب رد گزینه‌های ۳ و ٤ می‌شود.

منبع: نهج البلاغه (خطبه/ ۱۷)

۳۸۰- گزینه۲

ارجاع به نکته فن ترجمه ۱۰ (افعال شروع)

واژگان

نَجَمَ كَذَا عَنْ كَذَا: چیزی از چیز دیگری بدست آمد

أخذ لفیف من الناس یستمع الی الدعاة: گروهی از مردم شروع به استماع داعیان کردند.

در گزینه ۱ «یستمع» و «آمن» به درستی ترجمه نشده‌است. در گزینه ۳ «همچنان» اضافه است. در گزینه ٤ «منهم» ترجمه نشده‌است.مژده

منبع: آزاد

۳۸۱- گزینه٤

ارجاع به نکته فن ترجمه ٤۱ (داشتن)

واژگان

الذُّعْرُ: اوف و فزع

الجبان: ترسو

الجریء: شجاع

الصفیر: سوت کشیدن

تلوّن: دارای رنگ شدن، رنگ برنگ شدن، هر دم به رنگی در آمدن

منبع: آزاد

۳۸۲- گزینه۳

ارجاع به نکته فن ترجمه ٤۹ (فعل مضارع) و۵۳ (انواع ما)

مضارع اخباری منفی:

لا/ ما + فعل مضارع: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

لیس + فعل مضارع / اسم فاعل: ألست تعرفین ما اقول لک؟ آیا چیزی که به تو گفتم نمی‌دانی؟
فإنّک لست بسابق اجلک؛ تو هرگز از اجلت پیشی نمی‌گیری.
ترجمه صحیح گزینه سوم: مادامی‌که روش خود را تغییر ندهی، تو را نمی‌بخشم.
منبع: آزاد

۳۸۳- گزینه۳

واژگان

این عبارت منتخب از معلقة عمرو بن کلثوم است، بیت اصلی به این صورت است:
وَقَدْ هَرّتْ کِلاَبُ الحَيِّ مِنّـا وَشَـذّبْنَا قَتَـادَةَ مَنْ یَلِیْنَـا
هرّ: عوعو کردن
شذب: پراکنده کردن
می‌گوید: و سگ‌های ایل به ما عوعو می‌کردند (چون اسلحه پوشیده بودیم ما را نمی‌شناختند) و گون اشخاص نزدیک به خویش را از خار پاک کردیم (دشمنان را بی اسلحه و قوت و شوکت کردیم که دیگر کسی را نیازارند و مانند گیاه بی خار ناتوان و زبون شوند)
منبع: شعر عمرو بن کلثوم

۳۸۴- گزینه ۲

واژگان

قصّر: کوتاهی کردن
نکته مورد توجه دراین سوال توجه به افعال است. عبارات «تقضون ایام أمل» در گزینه اول، «أن الأجل سینالکم» در گزینه سوم و «الموت یدرککم بعده» در گزینه چهارم اشتباه است. «اقدم»، «اسرع»، «تعجل» هیچ‌کدام به معنای پرداختن به کار نیست «اقتصر»، «اقصر»، «اغفل» هر سه نادرستاند و نیز با توجه به زمان فعل‌ها صحت گزینه ۲ روشن می‌شود.
منبع: آزاد

۳۸۵- گزینه۱

ارجاع به نکات فن ترجمه ٤۹ (انواع فعل مضارع) و ٦۰ (افعال ناقصه)

در گزینه ٤، معادل «هرگز متکبر مباش»، «لن تکبّر» است. در گزینه ۳، ترجمه صحیح قسمت دوم به این صورت است: «غنیمت دان تا مداوم باشد.» در گزینه ۲، «ینتهی» رجاء بنا بر خبر کان باید منصوب باشد .
منبع: آزاد

۳۸٦- گزینه ۲

واژگان

الالزام: ثابت کردن و ملازم نمودن
الزمناه: ملازم و ثابت کرده‌ایم آن را
طائره، طیر(ج طائر): پریدن
منشورا، نشر: گستردن و گسترده شدن، لازم و متعدی هر دو آمده است.
به نظر طبرسی «طیر» اسم جمع است و برای مفرد و جمع به کار می رود. «طائر» در آیه به معنای «عمل» است، اعم از عمل خوب و بد. چنان که مفسران آن را «عمل» گفته‌اند. در علّت آن، سخن بسیار گفته شده که در قاموس قرآن «طیر» گفته‌ام، به نظر می آید که علّت این استعمال آنست که: عمل، پرنده به خصوصی است که به صورت نیرو از انسان می‌پرد و کنار می شود ولی از انسان قابل انفکاك نیست، از انسان ناشی می‌شود ولی در اطراف او است.
راغب در مفردات گوید: ای عمله الذی طار عنه من خیر او شر.

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

آیه ۱۳ سوره اسراء در آزمون‌ها مورد تکرار است.

ترجمه: «و ما مقدرات و نتیجه اعمال هر انسانی را طوق گردن او ساختیم» که ملازم و قرین همیشگی او باشد

فعل «الزمناه» متکلم مع‌الغیر است که در گزینه ۱ هم از لحاظ معنا و هم صیغه نادرست ترجمه شده‌است. «الزم» به معنای «ملزم کردن» نیست، از این رو گزینه ۳ نیز رد می‌شود. ضمن آنکه در گزینه ۳ دو فعل در ترجمه موجود است در حالیکه در متن عربی فقط فعل «الزمناه» ذکر شده است که این نکته باعث رد گزینه ٤ نیز می‌شود.

منبع: قرآن کریم

۳۸۷- گزینه ٤

واژگان

ظَمَأ: تشنه شدن (از واژه‌های پرکاربرد)

السِّنخُ: المثّبت،یقال: ثبتت السنّ فی سنخها: ای منبتها

(خطبه١٦، نهج البلاغه) : آنچه بر اساس تقوی بنا گردد نابودی نپذیرد و بذری که در سرزمین تقوی پاشیده شود هرگز تشنگی احساس نکند.

دراین فراز از خطبه «... لا یهلك علی التّقوی سنخ اصل و لا یظمأ علیها زرع قوم» امام عليه‌السلام به دو طریق لزوم تقوا را تذکّر می‌دهد، آن که هر کس برای آخرت کشت کند و معارف الهی را در سرزمین نفس خود بکارد مانند اعمالی که مصالح زندگی مادّی انسان را تأمین می‌کند، و آن را به آب تقوا سیراب کند و تقوا را اصل قرار دهد، بر چنین زراعتی تشنگی عارض نمی‌شود بلکه قویترین ساقه و پاکیزه‌ترین میوه از آن به دست می‌آید.

به کار بردن کلمه «زرع» و اصل در عبارت امام عليه‌السلام کنایه است.

«لا یهلك علی التّقوی سنخ اصل و لا یظمأ علیها زرع قوم» در این قسمت امام عليه‌السلام به دو طریق لزوم تقوا را تذکّر می‌دهد: یکی آن که هر اصلی که بر تقوا بنیاد شود محال است که خراب شود و بنیان‌گذار آن زیان بیند، چنان که خداوند متعال فرموده است: ﴿أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيانَهُ عَلى تَقْوى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيانَهُ عَلى شَفا جُرُفٍ هارٍ﴾

در گزینه ۱ «ابداً»، در گزینه ۲ ترجمه نکردن کلمه «قوم» و در گزینه ۳ اضافه بودن کلمه «اگر» باعث غلط بودن آن‌ها شده‌است.

منبع: نهج البلاغه (خطبه ١٦)

۳۸۸- گزینه٤

ارجاع به نکته فن ترجمه ۲ (فعل ماضی)

ارجاع به سؤال ٤٧٤

فقط در گزینه ٤ فعل «کان یری» درست ترجمه شده است.

واژگان

صَعِید، صَعِید (ج صُعُد، صَعُدَات، صُعْدَان): زمین بلند و مرتفع، قبر، راه، خاك

صارَتِ الحَدِیقَةُ صَعِیداً: زمین باغ صاف و هموار و بدون درخت شد

علی صَعیدٍ واحدٍ: در یك مستوی و یك سطح

قیادة: فرمان، سکان، اهرم سکان، نظارت، اداره، زمام، اداره کردن، دسته، رهبری، مقدم، پیشتاز، عمده

وعي: هوش، درك، فهم، بیداری، آگاهی، هوشیاری، بینش، درایت

منبع: جمله منتخب از مقاله «الإمام الخمینی: خط عرفانی فی دائرة الفقه، وفقه فی حرکة الثورة و ثورة إسلامیة فی حجم العالم» تألیف السید محمد حسین فضل

۳۸۹- گزینه٤

واژگان

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

استغلَّ: بهره‌برداري كرد

المَجاعة(مصدر میمی از جوع): در اینجا قحطی

مستوطنة: بومي

تَدَهوُر: افول، پایین آمدن

مستوی: سطح

التخلُّف: عقب‌ماندگی

التكريس: تأسیس و برقراری

منبع: آزاد

۳۹۰- گزینه ۲

ارجاع به نکته فن ترجمه ۳۹ (جمله وصفیه)

واژگان

لَذَعَ= لَسَعَ: گزیدن، نیش زدن

دمعة: تاء الوحده است که به اسم جنس جمع ملحق شده «دمع» ملحق شده است: قطره اشک

تلفَحُ: می‌سوزاند (واژه قرآنی: تلفحُ‌وجوهَهُمُ‌النَّارُ)

خَدّ: گونه

نَبَّهَ: بیدار کردن

لا يُجْدِي: سودمند نبودن

«ضـلال» جملة وصـفیه برای «لیس يُجدی» و جملة «تلفح خدّی» جملة وصـفیه براي «دمعة» و جمله «ليس يُجدی» جمله وصـفیه برای «ضلال» است. (لذع + تلفح = ماضی استمراری) که فقط در گزینه‌های ۱ و ۲ به درستی آمده‌است.

منبع: آزاد (اشعار ابراهیم ناجی)

۳۹۱- گزینه۳

واژگان

الحِجا: عقل

اگر رزق و روزی بر اساس عقل و خرد جریان داشت در این صورت چهارپایان بخاطر نداشتن عقل نابود می‌شدند.

منبع: آزاد

۳۹۲- گزینه۱

ارجاع به نکته فن ترجمه ٦٦ (ما....مِن)

واژگان

التماس: طلب، درخواست

الشِّیمَة: خلق و خو

به بالاترین سطح از اخلاق در میان مردمان دست یافته‌ای اگر مردم به خاطر اخلاق والای تو (گذشتِ تو نسبت به بدرفتاریِ آنان به تو) از تو طلب عفو کنند. که گزینه ۱ نزدیك‌تر به مراد است.

منبع: آزاد

۳۹۳- گزینه۳

ارجاع به نکته فن ترجمه ۳۹ (جمله وصفیه)

واژگان

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.

التقدم: پیشرفت
«لغة القرآن» ترکیب اضافی است و «اللغه العربیه» ترکیب وصفی. با توجه به این نکته گزینه‌های ۱ و ۲ حذف می‌شود. زیرا در گزینه ۲ «لغة العربیة» نادرست است. گزینه ٤ نیز به کلمه «لغة» اشاره نکرده است.
عبارت «زبان عربی» در عربی به این صورت ترجمه می‌شود: اللغة العربیة (ترکیب وصفی)
عبارت «زبان قرآن» در عربی به این صورت ترجمه می‌شود: لغة القرآن (ترکیب اضافی)
منبع: آزاد

۳۹٤- گزینه ۱

واژگان

أَعَارَ: (إعَارَةً ... هُ الشيءَ و من الشيءِ): آن چیز را به او عاریه داد.
استعار: به عاریت گرفت، به امانت گرفت
گزینه ٤ به دلیل «استعرتُه» که به معنای درخواست امانت کردن یا به امانت گرفتن است حذف می‌شود.
در گزینه ۲ «جیداً» اضافه است. «اعطاء» به معنای «دادن» است.
منبع: آزاد

۳۹۵- گزینه٤

واژگان

اللَجْنة: کمیته
المُنَظَّمة: سازمان
مُنَظَّمه الأمم المتّحده، منظّمه العفو الدُوَلیه: سازمان عفو بین الملل
منظّمه،التحریر: سازمان آزادی بخش فلسطین
الجمعیّة العامّة: مجمع عمومی
المُفَوَّضیة: کمیساریا
النازِحین: مهاجران
اللاجئین: پناهندگان
الأزمة: بحران
الراهنة: الحالیه: کنونی
أعرب عن: اظهار کرد، بیان داشت
الطاحن: ویرانگر (از طَحَنَ: آرد کرد)
استیاء (افتعال از سوء): عدم الارتیاحِ
القَلَق: نگرانی
المَجاعة: قحطی
منبع: آزاد

هرگونه کپی برداری شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد.